

نگاهی به اولین سرشماری نظام‌مند در ایران

محمود عمادی

مرکز آمار ایران

چکیده. قاطبه مورخان و جمعیت‌شناسان معتقدند اولین سرشماری نظام‌مند و قابل اعتنا در ایران در سال ۱۲۴۸ هجری شمسی مقارن با ۱۲۸۶ هجری قمری و مصادف با ۱۸۷۰ میلادی به همت میرزا عبدالغفار منجم (ریاضیدان نامدار عصر قاجار) در زمان ناصرالدین‌شاه و در محدوده شهر تهران انجام شده است. اکنون با سپری شدن ۱۳۸ سال از انجام آن سرشماری و نیز در پنجاهمین سال اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران با نکوداشت یاد میرزا عبدالغفار منجم، خلاصه گزارشی از وی را که به کوشش آقای سیروس سعدوندیان در کتاب «عدد ابنیه، شمار نفوس» منتشر شده است، تقدیم حضورتان می‌کنیم. بارزترین وجه قابل ملاحظه در این متن، تشابه زیادی است که میان نحوه اجرا و برخی ویژگی‌های فنی اجرای سرشماری در ۱۳۸ سال پیش با وضعیت سرشماری در زمانه ما وجود دارد. همچنین به‌منظور آشنایی بیش‌تر خوانندگان ارجمند، گزیده‌ای از نتایج سرشماری‌های اجرا شده در تهران تا سال ۱۳۱۱ هجری شمسی در پایان همین نوشتار ارائه خواهد شد.

گزارش میرزا عبدالغفار منجم از اجرای سرشماری نفوس تهران-۱۲۴۸ هجری شمسی

... چون بر حسب امر قضا جریان دارای جهان و داور گیتی‌ستان، مالک تخت و جاه و خداوند دیهیم و گاه، ناصرالدین شاهنشاه غازی، مقرر شد که این جان‌نثار، عبدالغفار، جمعیت دارالخلافه ناصری را از روی تحقیق و تدقیق مشخص کند، جان‌نثار دید که

هر گاه بخواهد خود تنها متصدی چنین خدمت بزرگ شود، اقلأً یک سال به طول خواهد انجامید؛ و آن وقت، علاوه بر آن که ظاهراً چنین می‌نماید که در انجام خدمت مرجوعه به خود قصوری ورزیده و تکاهل نموده، از طرفی در عرض آن مدت چه بسیار اختلاف در عدد نفوس واقع می‌شود: چنان‌چه جمعی به اطراف پراکنده می‌شوند و جمعی به سمت دارالخلافه توجه می‌کنند و جمعی از کتم عدم به عرصه وجود می‌آیند و امثال آن؛ پس، به اشاره نواب اشرف اعتضادالسلطنه، وزیر علوم، مصلحت چنان دید که این خدمت را به دستیاری جمعی از متعلمین خود انجام دهد. پس، از میان آن‌ها هشت نفر شاگرد بزرگ معقول و مؤدب و باهوش را اختیار نمود، که اسامی آن‌ها از این قرار است: محمدحسن میرزا، علی‌خان ولد ملک‌الشعراء، علی‌خان ولد مرحوم محمدقاسم خان، میرزا علی‌اکبر، سلیمان خان، سلیمان قلی خان، حسین قلی خان، عباس علی خان. و اول به جوف حصار قدیم ابتدا نمود و ارک مبارک سلطانی را با چهار محله بزرگ که عودلاجان باشد با چاله میدان و سنگلج و محله بازار، میان آن‌ها قسمت نمود از این قرار:

ارک و محله بازار: سلیمان خان و عباس علی خان؛

عودلاجان: محمدحسن میرزا و علی خان کوچک؛

چاله میدان: سلیمان خان و علی خان؛

سنگلج: میرزا علی‌اکبر و حسین قلی خان.

و به آن‌ها دستورالعمل داد که هر دو نفر با همدیگر حرکت کنند و چون وارد کوچه شوند، همیشه ضلعی را که به سمت شمال یا مشرق باشد یکی از آن دو نفر اختیار کنند، و ضلعی را که به سمت جنوب یا مغرب باشد آن دیگر. و ضلع اول را به یمین نام نهاد، و ضلع دوم را یسار. و به اذن نواب اشرف والا، با هر دسته یک دو نفر از ده‌باشیان محلات و یک نفر فراش از فراشان مدرسه مبارکه و دو نفر قراول از سربازان مهندس همراه کرد. و از روز شانزدهم رمضان به عمل شروع کرد. و چند روز اول نظر به این که خوب به کار مأنوس شوند و خطا نکنند، همگی را متفقاً حرکت داده و خود جان‌نثار همیشه با آن‌ها بود. درب هر خانه که وارد می‌شد، مرد بزرگ‌تر صاحب‌خانه را می‌طلبید و اگر او حاضر نبود، زن بزرگ‌تر عاقله را؛ و شروع می‌کرد به سوال. و چون دید که عموم مردم، از ذکور و اناث،

کمال وحشت و تحاشی دارند از حقیقت‌گویی و خیالات واهی در سرگرفته‌اند، من جمله: گمان می‌کنند که مقصود اولیای دولت از تشخیص جمعیت آن است که صرف خندقی از آن‌ها گرفته شود یا غربا و متفرقه را از شهر بیرون کنند یا سالیانه از آن‌ها سری گرفته شود و امثال آن‌ها؛ و اگر بدین عقاید فاسد باشند، تشخیص جمعیت از روی حقیقت کمال صعوبت خواهد داشت و بلکه متعسر است، چون جان‌نثار مأذون نبود که وارد خانه و عیال مردم شود و اصحاب خانه را سرشمار کند، و تحقیق مطلب موقوف بود به سوال و جواب و این حالت نه مخصوص اهل ایران است، در سایر ممالک سابقاً چنین بود و هنوز در بعضی ولایات باقی است: شهریان در وقت تشخیص عدد نفوس بلاد، گمان کنند مقصود وضع مالیات است، و رعایا وقت تشخیص عدد نفوس قری، گمان کنند مقصود گرفتن سرباز است، پس بالجمله: ناچار درب هر خانه که وارد می‌شد، قریب ربع ساعت معطل شده صاحب را به سوگند و هزار لسان مطمئن می‌کرد. و باز خود مطمئن نشده، احتمال می‌داد که خلاف بگویند، سوالات مختلفه از آن‌ها می‌پرسید: اول، از عدد مجموع مردانی که شبی در آن خانه متوقف می‌باشند از آقا و نوکر و صاحب‌خانه و اجاره‌نشین و غیره. دوم، از عدد زنان بزرگ. سوم، از عدد اطفال شیرخوار تا پنج‌ساله از ذکور و اناث. چهارم، از عدد جوانان بزرگ‌تر از پنج سال تا پانزده سال از ذکور و اناث. پنجم، از عدد خواجه و غلام سیاه. ششم، از عدد کنیز سیاه. هفتم، از عدد دایه و خدمتکار و گیسو سفید. هشتم، از عدد مجموع اشخاصی که در آن خانه متوقفند عموماً از صغیر و کبیر و سیاه و سفید و ذکور و اناث، آقا و نوکر، صاحب‌خانه و اجاره‌نشین. و آن وقت، این جواب‌ها را با هم دیگر موازنه کرده؛ اگر خلاف می‌گفتند، زود بروز می‌کرد و از آن‌ها مواخذه کرده بعد تصحیح می‌نمود. و بعد، سوال می‌کرد از عدد اشخاص ایل قاچار که در آن خانه منزل دارند، و از عدد اشخاص طهرانی و اصفهانی و آذربایجانی و غیره. و این اعداد را نیز با سابق موازنه می‌کرد. و قبل از آن که از صاحب‌خانه این مطالب را سوال کند یا بعد از آن، از ده‌باشی محله که فی‌الجمله اطلاعی داشت سوال مختصری می‌کرد، و با اعداد سابق مطابقت می‌نمود. و چون سوال و جواب مدتی به طول می‌انجامید، از اهل خانه ناملايمات می‌دید و کنایات می‌شنید و تحمل می‌کرد. و آن وقت از درب آن خانه گذشته به در خانه دیگر می‌رفت و به همان دستورالعمل رفتار می‌کرد. و بعد از آن که معلمین این دستورالعمل را

خوب آموختند، آن‌ها را در محلات پراکنده کرد و هر دسته جداگانه مشغول عمل بودند. و خود همه روزه در محلات می‌گشت و به دو سه دسته سرکشی می‌کرد. و از طلوع آفتاب تا حوالی غرب مشغول بودند، تا از عمل ارک مبارک و محلات داخل شهر فارغ شدند و جمعیت همه خانه‌ها را از اعلی و ادنی مشخص نمودند، بدون استثناء، جز عمارات خاصه اعلی حضرت شاهنشاهی. و آن وقت، به خارج شهر پرداخت و خانه‌های اطراف را تا حد حصن و خندق جدید دارالخلافه ناصره نیز مابین همین چهار دسته مهندس قسمت نمود و هر کدام را به سر کار خود گذارد. و خود نیز با آن‌ها در گردش بود و آنچه خانه و کاروانسرا و قلعه در جوف این حصار واقع بود، ضبط نمود. و روز دوازدهم ذی‌القعدة به کلی فارغ شد. و عمل قریب دو ماه به طول انجامید، و به قدر وسع و طاقت در انجام این خدمت سعی و مواظبت نمود و حتی‌الامکان دقت کرد که به حقیقت مقرون شود. و با وجود آن، به خاک پای مبارک عرض نمی‌کند که جمعیت دارالخلافه ناصره واقعاً همین است که مشخص نمود، بلکه عرض می‌کند که احدی را ممکن نیست بیش از این دقت نماید و تشخیص نفری را بیش از این که به دست آمده به حقیقت نزدیک‌تر کند؛ به‌خصوص در اوقاتی که این عمل مقارن شود با حفر خندق و یا اخذ تفاوت ترقی قیمت اراضی خارج شهر و یا اخذ قیمت زمین‌های جوف شهر و وصل به حصار قدیم که به تدریج بر آن‌ها مردم عمارت بنا نهاده‌اند. جان‌نثار جمعیت دارالخلافه را، جز سپاه، صد و چهل و هفت هزار و دویست و پنجاه و شش (۱۴۷۲۵۶) نفر یافت، و عدد بیوت را نه هزار و پانصد و هشتاد (۹۵۸۰) باب. و بر فرض آن که در عدد اول تقریب و اختلافی واقع شده باشد، یقیناً در عدد ثانی هیچ اختلاف واقع نشده؛ زیرا که هیچ خانه از قلم نیفتاده و همه را باب به باب شمرده. و چون عدد اول بر ثانی قسمت نماییم، خارج قسمت شانزده می‌شود؛ یعنی که به‌طور وسط جمعیت هر خانه، از صغیر و کبیر، شانزده نفر است. و این عدد اگر چه به نظر قلیل می‌نماید، ولیکن، جان‌نثار متعهد می‌شود که اگر شخص بتواند وارد خانه و عیال مردم شود و جمع را به رأی‌العین سرشمار نماید، محال است که جمیت متوسطه را به هفده و هیجده برساند؛ یعنی که تمام جمعیت دارالخلافه را به صد و شصت هزار. زیرا که بعد از تحقیق و رسیدگی معلوم شده که قریب ثلث خانه‌های دارالخلافه جمعیتش از شش هفت نفر بیش نیست. چون که بسیاری از مردم، مثل تجار و ارباب قلم، خانه‌های

وسیع دارند و جمعیت‌شان یک مرد است و یک زن و یک دو طفل و یک کنیز یا یک خدمت‌کار و یک نفر نوکر یا خانه‌شاگرد، و هیچ اجاره‌نشین به خانه خود راه نمی‌دهند. معروف است که در خانه یهودان جمعیت از همه جا بیش‌تر است و نکته‌اش ظاهر است. با وجود آن، خود جان‌نثار عدد کل نفوس آن‌ها را، از صغیر و کبیر، هزار و پانصد و هفتاد و هشت (۱۵۷۸) نفر یافت؛ بعد از آن که در جمیع خانه‌های آن‌ها وارد شده، اتاق به اتاق همه را سرشمار می‌نمود و عدد بیوت آن‌ها را صد و شصت (۱۶۰) باب یافت. و حال چون عدد اول را بر ثانی قسمت کنیم، خارج قسمت اندک از ده کمتر می‌شود؛ یعنی: به‌طور وسط در هر خانه یهود ده نفر جمعیت است.

اعتقاد عموم بر این است که جمعیت دارالخلافه اقلأً به کرور می‌رسد. ولیکن، این عقیده فاسد است و بی‌مأخذ. زیرا که ایشان هنوز ده هزار و صد هزار نفر جمعیت را در محل مکشوف و بلامناعی ندیده‌اند تا از آن روی، پانصد هزار نفر را تصور کنند. بالجمله، نتایجی که از این عمل یافتیم از این قرار است، در هر محله: اول، عدد اشخاص صاحب‌خانه از صغیر و کبیر؛ دوم، عدد اشخاص اجاره‌نشین از صغیر و کبیر؛ سوم، عدد مردان بزرگ از سیاه و سفید؛ چهارم، عدد زنان بزرگ از سیاه و سفید؛ پنجم، عدد اطفال شیرخوار تا پنج سال از ذکور و اناث؛ ششم، عدد جوانانی که از پنج سال بزرگ‌تر باشند تا پانزده سال از ذکور و اناث؛ هفتم، عدد خواجه و غلام سیاه؛ هشتم، عدد کنیز سیاه؛ نهم، عدد دایه و خدمتکار و گیسو سفید— یعنی: زنانی که از فقر و پریشانی برای این خدمات در خانه‌های مردم می‌مانند—؛ دهم، عدد نوکرهای مردم— یعنی: اشخاص معطله که از علوم و حرف و صنایع بی‌بهره مانده‌اند و محض عجز و قصور خود نوکری اختیار نموده‌اند و متدرجاً تعدادشان در تزايد می‌باشد—؛ یازدهم، عدد بیوت؛ دوازدهم، عدد قاجار از صغیر و کبیر؛ سیزدهم، عدد اشخاصی که طهرانی‌الاصل می‌باشند یا در طهران متولد شده‌اند از صغیر و کبیر و ذکور و اناث؛ چهاردهم، عدد اشخاص اصفهانی؛ پانزدهم، عدد اشخاص آذربایجانی؛ شانزدهم، عدد طلابی که در مدرسه‌ها متوقف می‌باشند؛ هفدهم، عدد اشخاصی که در تابستان حکماً به بیلاق می‌روند؛ هیجدهم، عدد اشخاص ناقص‌الاعضا مثل کور و عاجز و مفلوج؛ نوزدهم، عدد زردشتیان؛ بیستم، عدد فرنگی‌هایی که در طهران متوقف هستند؛ بیست و یکم، عدد ارامنه؛ بیست و دوم، عدد یهودان و عدد بیوت آن‌ها؛

بیست و سوم، عدد دکان‌های خبازی؛ بیست و چهارم، عدد مساجد؛ بیست و پنجم، عدد مدارس؛ بیست و ششم، عدد تکایا؛ بیست و هفتم، عدد حمام‌های عام؛ بیست و هشتم، عدد کاروانسراهای تجارته و غیر تجارته؛ بیست و نهم، عدد یخچال‌ها؛ سی‌ام، عدد دستگاه‌های کوره‌پزی؛ سی و یکم، عدد اصطبل‌های خاص.

در تشخیص عدد نفوس، بسیار مفید است که سن مردم و حرفه و پیشه آن‌ها را نیز معلوم کنیم. ولیکن، در نوبت اول کمال صعوبت داشت. و حال، شروع می‌کنیم به ذکر این اعداد:

خلاصه تعداد نفوس

عدد کل نفوس که در دارالخلافه مقیم و متوقف می‌باشند، ۱۵۵۷۳۶ نفر است. و از این جمله، ۸۴۸۰ نفر سپاه‌اند؛ و ۱۴۷۲۵۶ نفر رعیت. ۷۵۶ نفر خواجه و غلام سیاه، و ۱۰۵۶۸ نفر نوکر.

و از جمله زنان بزرگ، ۴۶۰۶۳ نفر زنان محترمه و زنان کسبه و تجارند، ۲۵۲۵ نفر کنیز سیاه، و ۳۸۰۲ نفر خدمتکار.

و از جمله عدد کل نفوس رعیت، ۲۰۰۸ نفر قاجارند، ۳۸۲۴۵ نفر طهرانی، و ۹۹۵۵ نفر اصفهانی، و ۸۲۰۱ نفر آذربایجانی، و ۸۷۸۴۷ نفر متفرقه، مثل کاشانی و شیرازی و عراقی و غیره؛ ولیکن، بیش‌تر از اهل کاشانند.

و چون این تفصیل معلوم شد، بعضی فقرات در ضمن تشخیص عدد نفوس به دست آمده که ذکرشان خالی از فایده نیست: عدد طلابی که در مدارس مسکن دارند، ۱۴۶۳ نفرند، ولی در فصل تابستان بسیاری از آن‌ها به اطراف پراکنده می‌شوند. و عدد اشخاصی که در فصل تابستان حکماً به بیلاق می‌روند، ۸۰۰۰ نفر. و عدد اشخاص ناقص‌الاعضایی که به تدریج یافتیم، ۱۱۵ نفر. و عدد زردشتیان، ۱۱۱ نفر. و عدد فرنگی‌هایی که در دارالخلافه مسکن دارند، از مرد و زن و طفل، ۱۳۰ نفر است. و عدد ارامنه، ۱۰۰۶ نفر. و عدد یهودان، ۱۵۷۸ نفر است.

عدد بیوت دارالخلافة ناصره

در ارک مبارک سلطانی، ۱۹۵ باب؛ در عودلاجان، ۲۵۵۸ باب؛ در چاله میدان، ۲۳۴۷ باب؛ در سنگلج، ۱۹۶۹ باب؛ در محله بازار، ۱۴۸۸ باب؛ در محلات خارج از شهر، ۱۰۲۴ باب. عدد ابواب بعضی از بناها را نیز مشخص نموده‌ایم، ولیکن ممکن است چند عدد از قلم افتاده باشد: عدد مساجد ۴۷ باب؛ عدد مدارس ۳۵ باب؛ عدد تکایا ۳۴ باب؛ دکاکین خیازی ۱۷۰ باب؛ عدد حمام‌های عام ۱۹۰ باب؛ عدد کاروانسراهای تجارتنی و غیر تجارتنی ۱۳۰ باب؛ عدد یخچال‌ها ۲۰ باب؛ عدد دستگاه‌های کوره‌پزی ۷۰ باب؛ عدد اصطبل‌های مردم که مخصوص ساخته‌اند، ۲۷۷ باب؛ عدد بیوت یهود ۱۶۰ باب.

گزیده نتایج سرشماری تهران و حومه در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی

در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی سرشماری عمومی نفوس و ابنیه تهران و حومه آن با استفاده از اصول علمی، مشابه شیوه‌های امروزیین آمارگیری به اجرا در آمد. محدوده شهری تهران در سال ۱۳۱۱ که محصور در خندق بوده است، از شمال به خیابان انقلاب فعلی، از غرب به خیابان کارگر فعلی، از جنوب به خیابان شوش فعلی و از شرق به خیابان ۱۷ شهریور فعلی محصور شده بود و علاوه بر آن تمام آبادی‌های حومه تهران از جمله عشرت‌آباد، عباس‌آباد، جلالیه، امیرآباد، بهجت‌آباد، جمشیدآباد و یوسف‌آباد در شمال؛ نازی‌آباد و قلعه مرغی در جنوب؛ سلیمانیه و دولاب در شرق؛ شهر نو، اکبرآباد و امامزاده معصوم در غرب نیز در محدوده اجرای این سرشماری گنجانده شده بود. نتایج این سرشمای نشان می‌دهد که در شهر تهران ۲۶۰۹۴ باب خانه و عمارت مسکونی وجود داشته است و جمعیتی بالغ بر ۲۴۹۵۰۰ نفر در قالب ۶۴۹۷۷ خانوار در آن زندگی می‌کرده‌اند. در حومه تهران نیز ۲۰۰۲ باب خانه و عمارت مسکونی شمارش شده است که جمعیتی بالغ بر ۶۰۶۳۵ نفر در قالب ۵۵۲۳ خانوار ساکن آن‌ها بوده‌اند. از جمله نتایج قابل توجه این سرشماری آن که:

- در شهر تهران ۲ خانوار، هریک ۳۴ فرزند داشته‌اند و این در حالی است که ۱۷۱۷۶ خانوار فرزندی نداشته‌اند؛

- بیش از ۳/۵ درصد مردان سرشماری شده بیش از یک همسر داشته‌اند که در این میان یک مرد دارای ۸ همسر بوده است؛
 - دین ۹۴/۹ درصد از مردم، اسلام بوده است. کلییمان ۲/۵ درصد، مسیحیان ۲/۳۴ درصد و زرتشتیان ۰/۳ درصد جمعیت را تشکیل داده‌اند؛
 - محله حسن‌آباد (در محل چهارراه حسن‌آباد فعلی)، واجد بیش‌ترین درصد باسوادان شهر تهران بوده است، به‌نحوی که ۵۱ درصد ساکنان آن باسواد بوده‌اند؛
 - در سال ۱۳۱۱ حدود ۱/۳ درصد ساکنان شهر تهران از اتباع خارجی بوده‌اند که سهم اتباع شوروی با ۹۶۳ نفر بیش از سایرین بوده است؛
 - ۲۰۹۷۴۲ نفر از جمعیت سرشماری شده، در تهران به دنیا آمده بوده‌اند (۶۷/۶ درصد). زادگاه ۳/۲ درصد ساکنان تهران، منطقه آذربایجان بوده و اهالی گیلان، مازندران، استرآباد، خراسان، کرمان، بلوچستان و خوزستان به‌ترتیب عمده‌ترین ساکنان غیر بومی تهران بوده‌اند؛
 - ۱۱۰۵۱ نفر از ساکنان پایتخت را قوای نظامی- انتظامی و امنیتی تشکیل می‌داده‌اند. کارکنان دولت ۲۹۷۸۷ نفر، نمایندگان سیاسی خارجی ۴۶۰ نفر، روحانیون و مبلغین اسلامی ۳۴۲۳ نفر، مبلغین مذهبی غیر مسلمان ۹۶ نفر، پزشک ۲۱۶۲ نفر، بازیگر و مطرب ۳۱۱ نفر را شامل می‌شده‌اند؛
 - در میان جمعیت سرشماری شده، ۵۷۸۰ نفر در بخش کشاورزی و دامپروری، ۷۵۲۹۵ نفر در بخش صنعت، ۱۷۷۳۰ نفر در بخش حمل و نقل، ۱۶۰۶۴ نفر در بخش تجارت و دلالی اشتغال به کار داشته‌اند؛
 - ساکنان پایتخت در این سال معادل ۱۰۶۵۵۹۸ ریال بابت خرید بلیت نمایش در این شهر هزینه کرده‌اند. این در حالی است که علاوه بر مبلغ مذکور، معادل ۲۰۱۹۶۳۱ ریال نیز بابت خرید بلیت سینما هزینه شده است.
- در ادامه، برخی آمارهای کلی از وضع جمعیت و مسکن در سرشماری ۱۳۱۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱- آمار تعدادی از مکان‌های سرشماری شده تهران- ۱۳۱۱ هجری شمسی

تعداد	شرح	تعداد	شرح
۱۳۸۸۷	مغازه	۲۵	میدان
۶۰	کارخانه	۲۱۸	خیابان
۲۷	چاپخانه	۳۶۰۲	کوچه
۲۹۵	کاروانسرا	۲۷۹۷۵	عمارت مسکونی
۱۸۲	گاراژ عمومی	۱۲	مریض‌خانه
۱۵	سینما	۳۶	مهمان‌خانه
۸۸	رستوران و کافه	۸	پانسیون
۶۱۴	قهوه‌خانه	۱۰	مسافرخانه
۱۸	زورخانه	۱۱۵	مدرسه علوم جدید
۲۳۷	حمام عمومی	۳۶	مدرسه علوم قدیمه
۱۱	امامزاده	۲۳۳	مسجد
		۲۰	مکان مذهبی غیر اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲- گزیده آمارهای جمعیتی حاصل از سرشماری- ۱۳۱۱ هجری شمسی*

تعداد	شرح
۳۱۰۱۳۹	کل جمعیت
۲۶۵۱۳۹	مرد
۱۳۱۱۹۹	زن
۷۰۵۰۰	کل خانوار
۴/۴	بعد خانوار
۸۱۰۵۰	جمعیت باسواد
۶۴۷۱۶	گروه سنی ۰ تا ۱۰ سال
۴۶۱۹۰	گروه سنی ۱۱ تا ۲۰ سال
۴۵۷۷۲	گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال
۴۵۸۰۳	گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال
۳۰۲۰۷	گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال
۱۸۸۷۶	گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال
۸۷۸۹	گروه سنی ۶۱ تا ۷۰ سال
۴۷۴۹	گروه سنی ۷۱ تا ۱۰۰ سال
۱۲۲	گروه سنی بیش‌تر از ۱۰۱ سال

* اختلاف در سرجمع‌ها ناشی از خطاهای سرشماری است.

